

در باب آنارشیسم

نوام چامسکی | رضا اسکندری

میراث اسلامی

دین و اسلام

روزگار اسلامی

دین و اسلام

روزگار اسلامی

ریشهای اسلامی

دین و اسلام

روزگار اسلامی

دین و اسلام

A-171-A72-73P-AP



نشر افکار

تبلیغاتی میراث اسلامی

فهرست

۱	درآمد
۱۷	(۱) در باب آثار شیسم
۳۷	(۲) گزیده‌هایی از درک قدرت
۶۱	(۳) فصل دوم از کتاب عینیت و اندیشه‌ی لیبرال
۱۱۷	(۴) مصاحبہ با هری کرایسلر
۱۳۱	(۵) زبان و آزادی

درآمد

کنگکاوی آنارشیستی یا فراموشی آنارشیستی

ناتان اشنایدر

در عصر نخستین روز از تور اتوبوسی «همبستگی» در کرانه‌ی باختری، شاهد آن بودم که دانشجویانی از سراسر ایالات متحده به کشف بزرگی نایل آمدند: دریافتند که همگی، دست کم تا حدی، آنارشیست هستند. همان‌طور که روی صندلی‌های راحتی ورودی هتل تک‌افتداده‌ای در مجاورت کمپ پناهندگان و در جنین ویران از جنگ نشسته بودند، از تمایلات سیاسی یکدیگر جویا شدند که البته در نحوه لباس پوشیدن‌ها و آخرین خالکوبی‌هایی که کرده بودند نمود یافته بود. این‌همه، همراه با داستان‌هایی که از ترومماهای گذشته‌شان داشتند، در طول سفر دهروزه‌مان به روشن تر شدن مسیر زندگی شان انجامید.

یکی معرفت بود که «فکر می‌کنم بهتر است خودم را یک آنارشیست بنام». سپس دیگری به میانه‌ی فضای جدیدی پرید که با این جمله گشوده شده بود: «بله، کاملاً.»

میان ایدئولوژی‌ها و عباراتی که پس از آن طرح شد - دفاع از حقوق معلومان، دگرباشنده‌ی جنسی، زاپاتیستاهای بلوک‌های سیاه، مرزا - وفاق و توافقی پایه‌ای وجود داشت. دانشجویان، این وحدت نصفه و نیمه‌ی خود را به حساب یک تصادف حساب نشده گذاشتند؛ اما اصلاً چنین نبود.